

● طنز فاخر سعدی

● نوشته ایرج پزشک‌زاد

● انتشارات شهاب ثاقب

● ۲۰۵ ص — ۱۸۰۰۰ ریال

۲۹۲

سعدی یکی از ارکان استوار شعر فارسی است. می‌توان گفت تنها شاعری است که در همه میدان‌ها توسن کلام را تازانده و صد البته موفق بوده است. مع الوصف با همه این توانایی و فخامت درباره زندگی و آثار او تحقیقی شایسته صورت نگرفته است. چنانکه امروز پس از گذشت بیش از شصت سال از مراسم یادبود تصنیف شدن گلستان، هنوز یک نسخه کامل و منقح براساس اصول علمی و نقادانه از کلیات او در اختیار نداریم. البته از تلاش ستوده «فرزانه سعدی خصال»^۱ زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی نباید غافل باشیم.

اما به تازگی طنزپرداز توانا و نکته سنج ایرج پزشک‌زاد دست به کاری زده است که جای تعجب و تحسین دارد. تعجب به خاطر اینکه او روی موضوعی دست گذاشته که تا به امروز از دیدگان ادیبان و ناقدان ادبی ما پنهان مانده بود، «طنز سعدی». کتاب کم حجم و پرمحتوای طنز فاخر سعدی او آخر اسفند سال گذشته به میان جامعه فرهنگی ایران آمد، و مورد توجه صاحب نظران قرار گرفت. ایرج پزشک‌زاد در ابتدا از آشنایی خود با سعدی می‌گوید، که در دوران کودکی با صدای قمرالملوک بر روی صفحه ۷۸ دوری تا امروز با صدای کم‌نظیر

۱. فرزانه‌ای سعدی خصال، بهاء‌الدین خرمشاهی — حافظ‌پژوه و یکی از مصححان کلیات سعدی — کلک،

محمد رضا شجریان انیس و مونس است. سبب اصلی تالیف کتاب، مجلسی طنز و شوخی و همین طور بزرگداشت سعدی - که از طرف ایرانیان مقیم لوس آنجلس استقبال نشد - بوده است. خود پزشک زاد صادقانه و فروتنانه این اثر را آکادمیک نمی داند بلکه حاصل جستجوی منزل به منزل از طریق مقابله و مقایسه برمی شمارد. اما باید اذعان کرد که این نگاه به سعدی و «گلستانش» حاصل یک نگاه دقیق و موشکاف است. ارنست رنان نویسنده، مورخ و متفکر فرانسوی سعدی را با هوراسیوس و طنزپردازان فرانسوی مقایسه می کند: وی معتقد است که: «سعدی در واقع یکی از نویسندگان خود ماست. رای ثاقب خلل ناپذیر او، جذابیت و ظرافتی که به حکایاتش جان می بخشد، لحن طنز ملایمی که با آن مفاصد و معایب جامعه را انتقاد می کند، همه این شایستگی هایی که در مشرق زمین بسیار نادر است، او را به چشم ما عزیز می دارد. انگار نوشته یک عالم اخلاقی رومی یا یک طنزپرداز قرن شانزدهم را می خوانید.» (ص ۳۵)

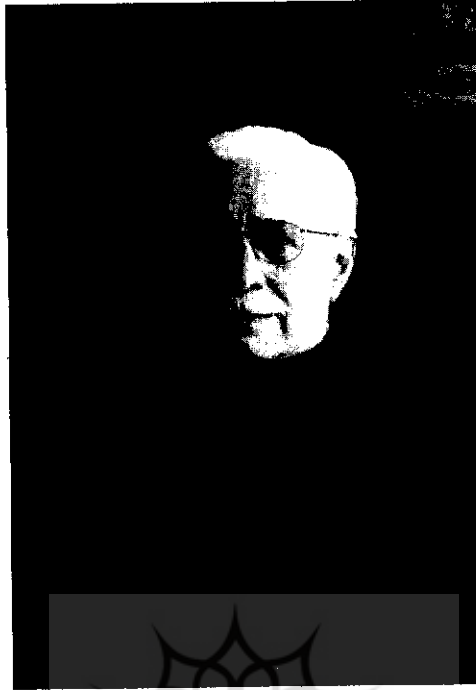
ایرج پزشک زاد در این کتاب تلاش می کند به علل این مقایسه پی ببرد به گونه ای که نشان بدهد چرا ارنست رنان و هانری ماسه سعدی را یک طنزپرداز ماهر و نکته سنج دانسته اند ولی ذکاء الملک فروغی و دکتر ذبیح الله صفا و دیگر ناقدان به این ویژگی سعدی نپرداخته اند.

نویسنده علت اصلی این اختلاف دیدگاه را در نگاه متفاوت به مقوله طنز از نظرگاه ادیبان ما و غربیان می داند. (صص ۳۷ و ۳۸)

او برای آنکه به پاسخ پرسش خود برسد، ابتدا طنز را تعریف می کند و ریشه های ورود این کلمه را در دهه بیست می داند و آن را معادل واژه Satire برمی شمارد. «شروع رایج شدن لفظ طنز به معنای امروز مربوط به همان دهه بیست است که بعضی از بزرگان ادب، به گمان من، به خاطر تفکیک و تمیز طنز از هجویه های رکیک و زشت رایج در مطبوعات، اصطلاح طنز را باب کردند.» (ص ۳۹) واژه تازه وارد طنز به منظور نشان دادن تفاوت خنده طنز با خنده و استهزاء هجو و هزل بوده است. مولف سپس برای آنکه خواننده خود را هر چه بیشتر با معنی طنز و عمق مفاهیم پوشیده در لفافه خنده طنز آشنا کند، چند نمونه از طنزهای برجسته غربی را می آورد. ولتر، ویکتور هوگو، هاشک و جرج ارول و سپس یک نمونه از پیشگام طنز در ایران علی اکبر دهخدا.

نکته اینجاست که تمامی طنزپردازان مثال آورده شده، انتقاد می کنند اما در پس یک ظرافت هنرمندانه به گونه ای که در قالب یک حکایت یا داستان، کمبودها و کاستی ها و رفتارها را نکوهش می کنند. درست مانند: «دوای تلخ با روکش شکلات».

نویسنده پس از آنکه خواننده خود را با معنی طنز - از نظرگاه علمی - آن آشنا کرد، دست او را می گیرد و به گلستان همیشه خوش شیخ شیراز می برد. پزشک زاد چنان ظریف و سنجیده



● ایوب بزرگمهر

به حکایات گلستان و لایه‌های زیرین آن می‌نگرد که خواننده خود را شگفت‌زده می‌کند. از این فصل مولف به چند حکایت سعدی از جمله، بزرگمهر و انوشیروان و مقایسه آن با شاهنامه حکیم توس و نیز منجم بدقبال و موذن بدصدا و مقایسه آن با داستانهای مثنوی و همین‌طور اهمیت منجم در دربار پادشاهان در اشاره به چهار مکالمه نظامی عروضی و نیز حکایت قاضی همدان و نادان خوش‌روزی، غلام هارون الرشید به عنوان فرماندار مصر، همچنین حکایت ملاقات سعدی با بازرگان طمع‌کار در جزیره کیش می‌پردازد. ریزینی‌ها و کشف محبوب‌ها و لاجرم پاسخ منتقدان سعدی (از جمله علی دشتی) را دادن محصول نگاه دقیق و سنجیده نویسنده است. در ادامه وی جدال سعدی با مدعی را ظریف‌ترین و استادانه‌ترین طنز سعدی در گلستان معرفی می‌کند (ص ۱۷). «خیلی آشکار است که سعدی به عنوان دفاع، با طنزی ظریف معایب و مفاسد اهل نعمت و ثروت را انتقاد کرده است. این قطعه از آنهایی است که مسلماً در ساختن عقیده ارنست رنان و نظر هانری ماسه، نسبت به هنر طنز سعدی، موثر بوده است.» (ص

۱۸۸)

در فصل پایانی نویسنده می‌کوشد نشان دهد هزلیات و مضاحک از سعدی نیست. بلکه تقلید نادرست و دست و پا شکسته‌ای از نثر گلستان است. «سعدی که ما می‌شناسیم، البته اگر بخواهد، در گفته خود پرده حجب و حیا را از روی واقعیت‌های عشق زمینی پس بزند. ولی

مسئلاً کسی نیست که کلام خود را به آلودگی‌های تفرانگیز بکشانند.» (ص ۲۰۱) نویسنده کتاب با زنده‌یاد ذکاءالملک فروغی هم داستان است که بخش «هزلیات و خبثیات» از سعدی نیست. حال اگر پس از مدتی بخش هزلیات چاپ شده و مردم خریدده‌اند نشانگر آن نیست که مردم از سعدی «هزل» نویس و «خبثیات» گو بیشتر خوششان می‌آید و مثلاً این نوشته‌ها را می‌پسندند بلکه به نوعی واکنش به چاپ نشدن آن بوده و صد البته پاسخی به روحیه جستجوگر و «سَرَک‌کش» خود.

طنز فاخر سعدی یکی از ارجمندترین تحقیقاتی است که دربارهٔ سعدی انجام گرفته است. نویسنده در این اثر نشان داده است که به متون ادب فارسی و نیز غربی‌آشنایی درخور ستایشی دارد. اکنون که این گفتار را به پایان می‌برم، با خود می‌اندیشم، آیا یکی از موفقیت‌های ایرج پزشک‌زاد در عرصه طنز، به نوعی که او را سرآمد کرده است، همین آشنایی عمیق با متون گذشته از فرهنگ خود و غرب نیست؟



شعبه‌ی پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تقاضا و خواهش مجدد

یکبار دیگر از مشترکین گرامی خواهش می‌کنیم وجه اشتراک عقب افتاده خود را بپردازند. این مجله به پشتیبانی مشترکین ارجمند و دوستدارانش منتشر می‌شود.